

اوج گرفتن در آسمان زبان در ۴ مرحله



منبع: www.drzaban.com

نویسنده: دکتر زبان (مسعود اکبری)

موضوع: اوج گرفتن در آسمان زبان در ۴ مرحله

برای خواندن جدیدترین مطالب آموزشی به سایت دکتر زبان مراجعه کنید!

برای دانلود صدها مقاله مشابه این مطلب عضو سایت دکتر زبان شوید!

اخيراً در حال خواندن یک رمان انگلیسی بودم که ناگهان متوجه نکته جالبی شدم. من داشتم صفحات داستان را پشت سر هم بدون آنکه در دیکشنری به دنبال معنی کلمه ای بگردم، می خواندم. حال اینکه سالها پیش خواندن داستانهای انگلیسی یکی از سخت ترین کارهای ممکن برایم بود چرا که برای پیدا کردن هر کلمه باید به دیکشنری مراجعه میکردم. اما امروز خواندن داستانهای انگلیسی به عکس روزهای نخست برایم بسیار لذتبخش است. چندی پیش در حال مطالعه مطلبی بودم که به یک راز مهم پی بردم و آن اینکه برای تبدیل شدن به یک زبان آموز مؤثر باید عمل گرا بود. هر چه بیشتر عمل کنید سریع تر یاد میگیرید. البته باید گفت که عمل گرایی نسبی است. منظورم این است که در مراحل اولیه یادگیری زبان، خواندن مطالب انگلیسی نه ساده است و نه لذتبخش. اگر بپذیرید که ارزشمندترین چیز برای یادگیری یک زبان خارجی عبارت است از عملگرایی آنگاه باید دو سؤال مهم زیر را از خود پرسید:

مهمترین فعالیتهایی که باید انجام بدهم کدام اند؟ و هر فعالیت را در چه مرحله ای باید انجام دهم؟

یادگیری یک زبان را می توان به بلند شدن هواپیما از زمین تشبیه کرد. یک زبان آموز در آغاز مسیر یادگیری زبان مانند یک هواپیما است که باید چهار حرکت منظم و دقیق را به ترتیب زیر انجام دهد.



مرحله ۱: بلند شدن از زمین

هوپیما برای بلند شدن از زمین ابتدا باید سرعت بگیرد. سپس باله های خود را بخواباند تا روی باند به اندازه کافی بلند شود. بعد از آن باید در خط مستقیم و در مسیری درست حرکت کند. همچنین برای بلند شدن از زمین باید سرعت ثابتی را برای مدت طولانی حفظ کند. یادگیری زبان نیز به همین گونه است. شما نیز برای اوج گرفتن باید روی مجموعه ای از کارهای منظم متمرکز شوید. اگر در مسیر درست سرعت نگیرید و یا سرعت خود را برای مدتی طولانی حفظ نکنید، شروع این سفر قطعاً زمان بیشتری از شما خواهد گرفت و به مراتب سفر دشوارتری پیش رو خواهید داشت.

مرحله ۲: کنترل چاله های هوایی

وقتی هوپیما از زمین بلند میشود کارها کمی راحت تر میشود. باله ها بالا میآیند، چرخها جمع شده و شما میتوانید هوپیما را به هر سمتی که بخواهید هدایت کنید. البته هنوز قبل از رسیدن به چاله های هوایی در زیر ابرها کارهای زیادی هست که باید انجام دهید. در خصوص یادگیری زبان نیز در این مرحله باید بتوانید از پس مشکلات برآیید. در این مرحله مکالمه کردن چندان راحت نیست، اما هر چه این مرحله ی چالش برانگیز را بیشتر طی کنید سریعتر میتوانید از دل مشکلات عبور کنید.

مرحله ۳: ارتفاع گرفتن

حالا که از چاله های هوایی و تکانهای ابرها عبور کردهاید چراغ کمربند صندلی تان خاموش میشود و می توانید آزادانه در کابین حرکت کنید. و تنها کاری که الان باید انجام دهید این است که آنقدر اوج بگیرید تا به سطح ارتفاع مناسب برسید. در این مرحله از یادگیری زبان مکالمات شما از ساختارهای بهتر و عمق بیشتری برخوردار می شوند. زبان مقصد برای شما آسان تر شده و دیگر احتیاجی به کمک گرفتن از زبان فارسی ندارید.

مرحله ۴: ارتفاع مناسب

در آخرین مرحله پرواز به ارتفاع مناسب رسیده اید و این راحت ترین بخش سفر است. حالا می توانید به هر کجا که دلتان می خواهد بروید. یادگیری زبان در این مرحله بسیار لذت بخش است. با رعایت تمام حرکات برنامه ریزی شده قبلی به نقطه دلخواه رسیده اید. حالا می توانید یادگیری یک زبان دیگر را هم شروع کنید.



خب فکر می کنید در حال حاضر در کدام یک از این مراحل قرار دارید؟

اوایل که یادگیری زبان انگلیسی را شروع کرده بودم اشتباه بزرگی مرتکب می شدم و آن تمرکز بیش از حد بر گرامر بود. به عبارتی سعی می کردم قبل از بلند شدن از زمین پرواز کنم. یکی از روش های رایج برای ارزیابی توانایی زبان استفاده از **چهارچوب مشترک اروپایی برای زبان ها** است. هر چند به لحاظ تجربه بنده معتقدم که این چهارچوب نیز اغوا کننده است. مثلاً گاهی اوقات زبان آموز علی رقم تسلط به همه قواعد گرامری کتاب هنوز قادر نیست به خوبی دیگر همکلاسی های خود مکالمه کند. در حالی که همه زبان آموزان کلاس بر اساس این چهارچوب در یک سطح قرار دارند. توصیه می کنم در مرحله اول یادگیری زبان به جای تمرکز بر قواعد گرامر بیشتر روی واژگان تمرکز کنید. و البته نه فقط یادگیری واژگان بلکه استفاده از لغاتی که می دانید.

با در نظر گرفتن این اصل می توان توانایی زبانی افراد را به شکل زیر نشان داد:

توانایی هر فرد در یک زبان خارجی = تعداد لغات فعال بانک واژگان آن فرد

بنابراین هر یک از ۴ مرحله یادگیری زبان بر اساس تعداد لغات فعالی (پرکاربرد) که استفاده می کنید تعریف می شوند. حال نگاهی به این ۴ مرحله می اندازیم و ببینیم چگونه می توان به موثرترین شکل ممکن از هر مرحله عبور کرد.

مرحله ۱: بین ۰ تا ۱۰۰ لغت

در اولین مرحله از یادگیری زبان باید بر دو گام تمرکز کنید:

- گام اول: یادگیری صداها و تلفظ یک زبان
- گام دوم: انتخاب واژگان

ابتدا بایستی نحوه تولید صداها در آن زبان را بشناسید. به سه دلیل باید روی تلفظ خود کار کنید: اول اینکه نیاز دارید پیام خود را به شکلی موثر منتقل کنید. دوم اینکه هماهنگی با اصوات زبان مقصد مهارت شما را در لیسنینگ تقویت می کند. و بلاخره اینکه تلفظ یک عادت است - شکل دادن یک عادت در مراحل اولیه خیلی ساده تر از زمانی است که آن عادت در فرد ریشه دار شود. یک **مدرس زبان آنلاین** پیدا کنید و نحوه تلفظ خود را با وی چک کرده و راهکارهای لازم جهت تقویت تلفظ را از او بپرسید.

گام بعدی انتخاب کلماتی است که برای بیان ضروری ترین جملات خود به آنها نیازمندید. فرض کنید سفری دو هفته ای به اسپانیا دارید و زمان کافی هم برای یادگیری این زبان ندارید. در چنین موقعیتی باید ضروری ترین کلماتی که در حین سفر نیازمندید را یاد بگیرید. کلماتی مثل "بله"، "خیر"، "می خواهم"، "نیاز دارم"، "می توانم"، "پیدا کردن"، "صحبت کردن"، "این"، "لطفاً"، "مرسی" "سلام" و ...



با استفاده از این کلمات می توانید خرید کنید یا یک آدرس بپرسید و خلاصه برخی کارهای ضروری را انجام دهید. به عبارتی حتی در این مرحله می توانید (و باید) زبان مقصد را به کار ببرید و به آن زبان صحبت کنید. فرقی نمی کند آن زبان انگلیسی باشد یا فرانسه یا هر زبان دیگر!

در این مرحله، مهارت‌های زبانی شما مثل هواپیمایی است که در حال سرعت گرفتن از روی پهنای باند است. هنوز تا رسیدن به ارتفاع مناسب خیلی فاصله دارید، اما اگر به دقت لغات کاربردی را انتخاب کنید و نحوه درست بیان کردن آن کلمات را تمرین کنید قادر به مکالمه کردن خواهید شد.

مرحله ۲: بین ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ لغت

• گام اول: یادگیری مکالمات پایه

• گام دوم: ادامه دادن به مطالعه لغات پر تکرار

در این مرحله هنوز زیر ابرها قرار دارید. چراغ کمر بند صندلی شما روشن است. مکالمه به زبان مقصد برای شما دشوار است اما باید هر طور شده فعالانه لغاتی را که آموخته اید استفاده کنید. در این نقطه مکالمات مختلف به شما امکان می دهند تا منظور خود را بیشتر بیان کنید و با استفاده از سوالات کاربردی شروع به بررسی پیرامون خود و نیز جنبه های مختلف آن زبان می کنید. حالا می توانید سوالاتی از این دست بپرسید:

“What is the difference between these two verbs?”

تفاوت این دو فعل چیست؟

“Can you help me with the translation of this sentence?”

ممکنه در ترجمه این جمله به من کمک کنید؟

“What are the best things to do and see in this city?”

بهترین چیزی که در این شهر می شه انجام داد چیه و بهترین مکان دیدنی این شهر کجاست؟

“Where is a good place to go to try the local food?”

کدام رستوران برای خوردن غذاهای محلی مناسبه؟

در این مرحله هدف شما تمرکز بر لغاتی خاص راجع به یک موضوع خاص نیست بلکه روی عبارات و لغاتی تمرکز می کنید که به شما در پرسش سوالات عمومی کمک می کنند. **لغات ویژه صفر کیلومترها در زبان انگلیسی** یا هر زبان دیگری که می خواهید را پیدا کنید. سپس لغاتی را که نمی دانید مشخص کرده و آنها را در اولویت یادگیری قرار دهید. سپس هر بار که یک لغت پر کاربرد پیدا می کنید سعی کنید از آن لغت در مکالمات خود استفاده کنید.



مرحله سوم: بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ لغت

• گام اول: تقویت دانش گرامر

• گام دوم: پرداختن به موضوعات مورد علاقه خود در زبان مقصد

اکنون در این مرحله با دانستن هزار لغت فعال تقریباً می‌توانید هر مفهومی را به طور عمومی بیان کنید. در این مرحله باید روی یادگیری گرامر تمرکز کنید. توصیه می‌کنم وقتی به این مرحله رسیدید یک کتاب گرامر خوب بخرید. هر چند عده زیادی معتقدند که یادگیری یک زبان را باید با گرامر آغاز کرد اما به نظر من برای یادگیری سریع یک زبان باید از **اولین روز روی مکالمه** تمرکز کنید. تمرکز بیش از حد روی گرامر و اجتناب از یادگیری لغات فعال همان اشتباهی است که من خودم در سالهای اولیه یادگیری زبان انگلیسی مرتکب می‌شدم. به همین دلیل است که برای رسیدن به ارتفاع مناسب مراحل ۱ و ۲ ضروری هستند.

دومین کاری که باید در مرحله ۳ انجام دهید این است که به دنبال موضوعات مورد علاقه خود بگردید. موضوعاتی مثل آهنگ، ورزش، هنر، سفر، آشپزی، کوهنوردی و ...

همچنین می‌توانید افرادی را پیدا کنید که با شما علاقه مشترکی دارند و در این خصوص با آنها به زبان مقصد صحبت کنید. در این مرحله مکالمات شما شامل سوالاتی مثل این موارد می‌شود:

“Where do you think the best place is to pitch a tent?”

فکر می‌کنید مناسب‌ترین مکان برای نصب یک چادر کجاست؟

“Do you have any spare pegs?”

آیا گیره اضافه دارید؟

“My portable stove has run out of gas, do you have a spare canister?”

گاز اجاق گازم تمام شده آیا یک کپسول اضافه دارید؟

اکنون می‌توانید آزادانه در کابین خود بچرخید و در زبان مقصد آزادی عمل بیشتری داشته باشید. هنوز لغات زیادی هست که باید یاد بگیرید اما حداقل دیگر ناچار نیستید هنگام مکالمه انگلیسی از زبان فارسی استفاده کنید.

مرحله ۴: + ۲۰۰۰ لغت

• گام اول: بخوانید.

• گام دوم: اغلب فعالیت‌های مورد علاقه‌تان برای کسب انگیزه باشد.

در این مرحله به ارتفاع مناسب رسیده‌اید. حالا می‌توانید به راحتی به زبان مقصد مکالمه کنید و لذت ببرید.

اکنون می‌توانید ساعتها در مورد یک موضوع صحبت کنید بی‌آنکه در پایان شب از فرط دشواری ساختارها و کلمات سردرد بگیرید. اگر می‌خواهید از این سطح بالا بروید باید مثل سه سطح قبلی به توسعه دایره واژگان فعال خود ادامه دهید. این کار در این مرحله دشوارتر است زیرا به لغاتی بر می‌خورید که بارها و بارها در مراحل ۱ تا ۳ با آنها برخورد کرده‌اید.



برای من شخصا بهترین راه برخورد با لغات جدید عبارت است از مطالعه کردن. لغات محاوره ای نسبت به لغات ادبی از محدودیت بیشتری برخوردارند. در این مرحله متوجه می شوید که به ازای لغاتی که در مکالمات خود استفاده می کنید کلمات بسیار بیشتری هم وجود دارد که هیچ گاه در مکالمات از آنها استفاده نمی کنید. در این مرحله به دنبال خواندن کتابهایی باشید که برایتان جذاب باشند. هر بار موقع خواندن به کلمه جدیدی برخورد می کنید آن کلمه را یادداشت کنید و به دنبال فرصتی برای استفاده از آن در مکالمات بعدی باشید. این پروسه به طور تضمینی و سیستماتیک کلمات جدید را به دایره واژگان فعال شما اضافه می کند.

همین طور که پیشرفت می کنید سعی کنید فعالیتهای یادگیری زبان را تغییر دهید. هر مرحله از یادگیری زبان نیازمند یک روش متفاوت است. در مراحل مقدماتی فعالیتهای مثل خواندن کمی خسته کننده است. اگر بانک مناسبی از لغات پرتکرار نداشته باشید دانستن قواعد گرامری چندان مفید نخواهد بود. و هنگامی که از این نوع بانک واژگان برخوردار شدید باید به دنبال یادگیری لغات خاص با موضوعات خاص باشید.

همچنان که مهارتهای خود را افزایش می دهید خود را به طرق مختلف به چالش بکشید. هر چه بیشتر فعالیتهای مناسب با سطح خود را انجام دهید سریع تر به ارتفاع مناسب می رسید و راحت تر به نقطه ای که می خواهید حرکت می کنید. خب، حالا فکر می کنید در کدام مرحله از یادگیری زبان انگلیسی هستید؟ لطفا پاسخ این سوال را در بخش نظرات برایم ارسال کنید!

